



- مهسا امیرآبادی

روزنامه‌نگار

**فساد ساختاری** یا **فساد فردی ایران همواره مورد بحث کارشناسان بوده است. نشانه‌ها و مؤلفه‌های فساد در ایران نشان از فساد ساختاری دارد یا فساد فردی؟**

روشن است که ما در یک اقتصاد سیاسی رانتی زندگی می‌کنیم و از آنجایی که عدم شفافیت مهم‌ترین لازمه تداوم مناسبات رانتی‌ست، آنهایی که از این مناسبات برخوردار می‌شوند، توانایی‌های خارق‌العاده‌ای در زمینه کجک کردن مردم و مسئولان کشور پیدا می‌کنند. به تعبیر میشل فوکو، آنها قادر شده‌اند به طرز بی‌سابقه‌ای رژیم‌های واقعیت را به جای واقعیت جا بزنند یا به تعبیری که ژان بودریار مطرح می‌کند اینها hyperreality یا reality جا می‌زنند که مقصودش از hyperreality این است که این دسته از افراد واقعیتی کم‌اهمیت را به اندازهای هیولایی بزرگ می‌کنند تا منافع خاصی پدید بیاید یا یک واقعیت بسیار بزرگ را به اندازه‌ای کوچک می‌کنند که چه عامه مردم و چه نخبگان و حتی ساختار قدرت خیلی سهل‌انگانه از آن عبور کنند.

به نظر من صحبت درباره فساد و فراخواندن همگان برای تبیین یک صورت‌بندی مفهومی دقیق با یک مبنای نظری قابل اعتماد، اهمیت زیادی دارد، چون به دلیل طرز تلقی‌های ما از فساد، ما هم به مسائل بنیادی‌اش توجه نمی‌کنیم و ذهنمان به کم‌اهمیت‌ترین وجوه قسمت‌های ماجرا درگیر می‌شود و به آن جنبه‌های اصلی مسئله فساد بی‌توجه هستیم.

عین این مسئله در مورد طرز مواجهه با بودجه هم مطرح است. در مناسبات رانتی وقتی قصد داریم راجع به بودجه صحبت کنیم، اساس اشکالات بودجه، جهت‌گیری‌های پس پرده این تخصیص‌ها باید باشد، اما کسی راجع به آنها که بعضی‌هایش دودمان پر باد ده هستند، اصلا بحث نمی‌کند و تمام دغدغه‌ها منظر رانتی به این خلاصه می‌شود که به چه کسی چه سهمی از رانت رسیده است، در حالی که این کم‌اهمیت‌ترین قسمت ماجراست.

از مناسبات رانتی حساسیت‌زدایی می‌شود و ریشه‌های اصلی در نظر گرفته نمی‌شود، اما به دلیل آنکه اقتضای ساخت رانتی، کوتاه‌نگری، یعنی ترجیح نظام‌وار امور بلندمدت به مسائل روزمره و فوری، است کسی راجع به اینکه یک سال دیگر با این جهت‌گیری‌های بودجه چه حالی خواهیم‌توز، نه فکر و نه بحث می‌کند.

در تئوری‌هایی که اقتصاد سیاسی رانتی را توضیح می‌دهند، برخی معتقدند اگر مناسبات رانتی چند روزه ادامه پیدا کند، رانتی بودن دولت به رانتی شدن ملت هم منجر می‌شود. من معتقدم اکنون شرایط کنونی ایران یک پرده بالاتر از آن هم به نمایش گذاشته و آن هم رانتی شدن روشنفکران است، یعنی حتی در شبکه‌های مجازی و حوزه عمومی هم بحث‌ها فقط در همین حد مانده که نظم توزیع رانت چگونه بوده‌است؟ شما ببینید که کنش‌ها و واکنش‌های افشاکرانه به اصطلاح حوزه عمومی هم این گونه‌است که اگر می‌گوییم به فراد در یک جناح ایقنقدر رسیده می‌گویند فرد ۷ را در جناح خودتان نگاه کنید، ا بیکی بر سر شاخ بُن می‌برید» است.

ماجرای فساد هم اینگونه است. خامنه به نام سوزان رُز اکرم‌ن که به عنوان اندوخته‌شماره یک شناخت‌خود و عرض مسئله‌فقاد، کنشمنده به عنوان فساد و دولت دارد که به فارسی هم ترجمه شده است. در این کتاب شاهکاری را از منظر نهادی ارائه کرده که هیچ‌کس به این عمق و ظرافت به مسئله‌فساد توجه نکرده بود. در این کتاب گفته می‌شود فساد جنبه‌ای شخصی دارد. برای مثال افراد X و Y از مرتکب فساد شدند، اما اصل ماجرا سیستم نهادی است که از مناسبات مبتنی بر فساد پشتیبانی می‌کند. سپس می‌گوید اگر بخوایم آن سیستم‌نهادی را زیر ذره‌بین بگذاریم، باید گفت هر قدر که فساد گسترته و عمق بیشتری پیدا می‌کند در ابعاد بیشتری منعکس کننده توانایی سیستمی ساختار نهادی در پشتیبانی از فعالیت‌های تولیدی‌ست. این سخن بسیار حکمت‌آمیز است و چقدر به شرایط کنونی ایران می‌خورد.

در سطح نظری می‌گوییم که فساد یکی از مشتم‌زکننده‌ترین گونه‌های توزیع مجدد ضدتوسعه‌ای است. ما می‌گوییم ویژگی مشترک رانت، ربا و همه انواع فساد این است که در چارچوب این فعالیت‌ها که دانش‌های خاص، مهارت‌های خاص و هزینه‌های خاص خود را نیز دارد، انرژی‌هایی صرف می‌شود، اما در نهایت چیزی خلق نمی‌شود، یعنی به موجودی جهان چیزی اضافه نمی‌شود، اما از جایی که جمعیت جهان مرتباً در حال افزایش است، این‌ها فقط جامعه‌جایی انجام می‌دهند، یعنی زحمت را فرد دیگری کشیده و شیشه جان از واردکنندگان و کسانی که از شیوه‌های فسادمانندرشوه ... کسب درآمد می‌کنند هم همین‌طور! از منظر تحلیل‌های سطح توسعه، اساس ماجرای مذموم بودن فساد فحش‌و جه اخلاقی آن نیست، بلکه یک نوع ظلم هم محسوب می‌شود، به این معنا که اساس فساد بر توزیع مجدد ظالمانه است. یعنی زحمت‌ها را کسان دیگری کشیدند و فاسدها چیزی خلق نمی‌کنند و نه تنها به ذخیره موجودی جهان

فرشاد مؤمنی در گفت‌وگو با «جامعه فردا»:

# با نادیده گرفتن عدالت اجتماعی همه ضرر می‌کنند

«میزان الحراره فساد بر سرنوشت همه تأثیر خواهد گذاشت.» این جمله را فرشاد مؤمنی پیش از آنکه تظاهرات سراسری در کشور آغاز شود در گفت‌وگو با «جامعه فردا» بیان کرد. اکنون اما به نظر می‌رسد حرف‌هایش در جامعه نمود عینی پیدا کرده است. بسیاری بر این باورند این نابسانانی اقتصادی ریشه در فساد افسارگسیخته‌ای دارد که چند ماه گذشته هر روز خبری از آن در صدر رسانه‌های داخلی قرار داشته است. حال نتیجه آن در خیابان‌های شهرهای سراسر کشور جلوه‌گری می‌کند و خبر از چرخش‌های عمیقی می‌دهد. ما با طرح این سؤال به گفت‌وگو با فرشاد مؤمنی نشستیم: «فساد در ایران سیستم‌تیک است یا فردی؟»

اگر چه صاحب‌نظران برای بیان عریان واقعیت‌ها تحفظاتی به خرج می‌دهند و گاه تلاش می‌کنند در لافاه سخن بگویند، به خوبی می‌توان گوهر اصلی کلام را در صحبت‌ها نشان یافت. فرشاد مؤمنی هم در برابر این سؤال کمی تحفظ به خرج داد، اما در عوض ویژگی‌های فساد سیستم‌تیک را در این گفت‌وگو شرح داد تا مخاطبان خودشان پاسخ سؤال را در یابند. به نظر می‌رسد کشور در زمینه فساد به روزهای بحرانی خود رسیده است و اگر فکری به حال آن نشود روز‌های به مراتب تلخ‌تری در انتظار ما خواهد بود، روز‌هایی که تنها بخش کوچکی از آن را در همین چند روز گذشته در سراسر ایران دیده‌ام. مشروح گفت‌وگو با فرشاد مؤمنی در ادامه می‌خوانید.



فرشاد مؤمنی

کرد. یعنی پرچم عدالت بلند کرد، ولی به سابقه‌ترین سطوح فساد و فلاکت را به این جامعه تحمیل کرد. این سبب شده طیف دیگری که آنها مطلقاً قائل به اهمیت عدالت‌انگیزی نیستند و با کمال تأسف حسسن روحانی هم چه در جهت‌گیری‌های سیاسی و چه در انتخاب افراد با اینها بسیار هم‌دلی دارد به پنهان اینکه احمدی‌نژاد از عدالت بد دفاع کرده اصلا حرفی از این موضوع مپوم نمی‌کنند.

هدف و پیام من در کتاب این بود که نشان بدهم بی‌اعتنایی به عدالت اجتماعی و توسعه عادلانه روی ایران بگویم که دشمن سوراخ دعا را کم کردید. عدالت دیگر سکه بد دفاع کردن از عدالت اجتماعی‌ست. این‌ها از نظر عملکرد و اثر اقتصادی - اجتماعی تفاوتی با هم ندارند. من خواستم با نهایت خضوع و شفقت هم به حسن روحانی و هم به کل اعضای تیمی که با او همکاری می‌کنند و هم به تمام اجزاء ساختار قدرت در ایران بگویم که شما سوراخ دعا را کم کردید. عدالت اجتماعی اگر نادیده گرفته شود همه ضرر خواهند کرد. مهم‌ترین ویژگی فعالیت‌های توزیع مجدد مخرب، ظالمانه و غیرعادلانه بودن آن است. سیستم تبلیغاتی ما به خصوص روحانیت با کمال شگفتی راجع به عدالت اجتماعی حرف نمی‌زنند. بارها و بارها اعتقاد ما جزو عدلیه به حساب می‌آید و عدل جزو اصول دین ماست، اما کسی راجع به این صحبت نمی‌کند.

خوب است که به مؤسسه‌های پژوهش دینی پول می‌دهند، اما باید از آنها مسئولیت‌مطالبه کنیم و بگوییم مگر عدالت به تعبیر شهید مطهری در سلسله علل احکام نیست؟ چرا شما به ما شاخص‌های شسته و تقاتعی در این زمینه نمی‌دهید؟

**شما گفتید که پنج تلقی برای فساد سیستمی وجود دارد و یکی از آنها رانت‌زدید بر طبق این تلقی ایران از فساد سیستم‌تیک‌اند.** در مورد این تلقی‌ها دیگر چطور؟

از جایی که همه مقامات ساا اذعان دارند که در دستگاه‌های نظارتی کشور هم از بالاتا پایین سطوحی از فساد مشاهده می‌شود، ما می‌توانیم بگوییم که خیلی به سمت فساد سیستمی نزدیک شده‌ایم، اما وقتی از فساد سیستمی حرف می‌زنیم و این اعداد را مطرح می‌کنیم، ظلمی هم اتفاق می‌افتد و آن هم این است که اکثریت قاطع مردم ایران را پاک‌دامن‌ها تشکیل می‌دهند. آن کتاب خیلی قفل را به عنوانی به نام «مدارای جنبیانه مردم ایران با فقر» اختصاص دادم.

در آن فصل براساس شواهد و گزارش‌های رسمی که انتشار پیدا کرده نشان دادم که از ۱۳۸۶ تا امروز خانوار‌های ایرانی صرف‌جویی‌هایشان را به مصرف کمتر مواد پرروتینی، مواد لبنی و برخی مواد نشاسته‌ای مصرف کرده‌اند. به نظر من این قله ثروافت و پاک‌دامنی اکثریت قاطع این نشان می‌دهد، یعنی آنها سختی‌ها تحمل می‌کنند ووظایف و جنبیهانه‌های کار را انجام می‌دهند، اما متأسفانه گویی فریادری ندارند. **اما قرائت دیگری هم می‌شود داشت و اینکه ممکن است فساد امکان‌ساختاری در ایران به این برنگردد که گستره عظیمی دچار فساد شوند، بلکه به این برگردد که گستره عظیمی از مسئولان دچار فساد شده‌اند؟**

این که عرض کردم پنج تلقی وجود دارد به همین دلیل است، وقتی فردی که به ساختار قدرت هم خیلی نزدیک است، این تعبیر را در مصاحبه‌ای به کار برد، گفتم من جرأت اینکه ایقنقدر بی‌محابا و بی‌احتیاط صحبت کنم ندارم و این عبارت را هم تا زمانی که تعریف عملیاتی نشده باشد واجد دقت‌های کافی کارشناسی نمی‌دانم. مثلاً تلقی دیگری از فساد سیستمی این است که می‌توانید آن را با پنج متغیر بسنجید. این پنج متغیر چه چیزهایی هستند؟ ۱- چارچوب‌های ضعیف پشتیبانی از حقوق مالکیت، ۲- سیاست‌های اقتصادی نادرست؛ یعنی سیاست‌هایی که عامه مردم و تولیدکننده‌ها را از کار ساختار قدرت در ایران است و گفتم که به هزار تنبیه و رانت‌خواه، رباخواه، دلال‌ها و فاسدان را جاق می‌کند، ۳- تخصص گریز؛ یعنی ماجرای خودی در برابر غیر خودی باشد نه صلاحیت و شایستگی برای

در اختیار گرفتن منصب‌های مهم، ۴- نادیده گرفتن آزادی‌های مدنی در ایران هم مانند جاهای دیگری وقتی می‌گویید آزادی منظور آزادی‌های مشروع و قانونی‌ست

و کسانی هم که خواستار این آزادی‌ها هستند معمولاً جزو متخلف‌ترین افرادند، اما می‌بینید وقتی صحبت از آزادی می‌شود بلافاصله از تربیون‌های خاصی می‌گویند، کسانی که آزادی می‌خواهند آزادی بی‌بند و باری از مغلط‌هایی می‌کنند. آثار شهید بهشتی و شهید مطهری را بخوانید. یک بار آنها چنین تعبیری را به کار نبردند، شهید بهشتی در یکی از درخشان‌ترین آثار خود این‌ها از نظر عملکرد و اثر اقتصادی - اجتماعی تفاوتی با هم ندارند. من خواستم با نهایت خضوع و شفقت هم به حسن روحانی و هم به کل اعضای تیمی که با او همکاری می‌کنند و هم به تمام اجزاء ساختار قدرت در ایران بگویم که شما سوراخ دعا را کم کردید. عدالت اجتماعی اگر نادیده گرفته شود همه ضرر خواهند کرد. مهم‌ترین ویژگی فعالیت‌های توزیع مجدد مخرب، ظالمانه و غیرعادلانه بودن آن است. سیستم تبلیغاتی ما به خصوص روحانیت با کمال شگفتی راجع به عدالت اجتماعی حرف نمی‌زنند. بارها و بارها اعتقاد ما جزو عدلیه به حساب می‌آید و عدل جزو اصول دین ماست، اما کسی راجع به این صحبت نمی‌کند.

خوب است که به مؤسسه‌های پژوهش دینی پول می‌دهند، اما باید از آنها مسئولیت‌مطالبه کنیم و بگوییم مگر عدالت به تعبیر شهید مطهری در سلسله علل احکام نیست؟ چرا شما به ما شاخص‌های شسته و تقاتعی در این زمینه نمی‌دهید؟

**شما گفتید که پنج تلقی برای فساد سیستمی وجود دارد و یکی از آنها رانت‌زدید بر طبق این تلقی ایران از فساد سیستم‌تیک‌اند.** در مورد این تلقی‌ها دیگر چطور؟ از جایی که همه مقامات ساا اذعان دارند که در دستگاه‌های نظارتی کشور هم از بالاتا پایین سطوحی از فساد مشاهده می‌شود، ما می‌توانیم بگوییم که خیلی به سمت فساد سیستمی نزدیک شده‌ایم، اما وقتی از فساد سیستمی حرف می‌زنیم و این اعدا را مطرح می‌کنیم، ظلمی هم اتفاق می‌افتد و آن هم این است که اکثریت قاطع مردم ایران را پاک‌دامن‌ها تشکیل می‌دهند. آن کتاب خیلی قفل را به عنوانی به نام «مدارای جنبیانه مردم ایران با فقر» اختصاص دادم.

در آن فصل براساس شواهد و گزارش‌های رسمی که انتشار پیدا کرده نشان دادم که از ۱۳۸۶ تا امروز خانوار‌های ایرانی صرف‌جویی‌هایشان را به مصرف کمتر مواد پرروتینی، مواد لبنی و برخی مواد نشاسته‌ای مصرف کرده‌اند. به نظر من این قله ثروافت و پاک‌دامنی اکثریت قاطع این نشان می‌دهد، یعنی آنها سختی‌ها تحمل می‌کنند ووظایف و جنبیهانه‌های کار را انجام می‌دهند، اما متأسفانه گویی فریادری ندارند. **اما قرائت دیگری هم می‌شود داشت و اینکه ممکن است فساد امکان‌ساختاری در ایران به این برنگردد که گستره عظیمی دچار فساد شوند، بلکه به این برگردد که گستره عظیمی از مسئولان دچار فساد شده‌اند؟**

این که عرض کردم پنج تلقی وجود دارد به همین دلیل است، وقتی فردی که به ساختار قدرت هم خیلی نزدیک است، این تعبیر را در مصاحبه‌ای به کار برد، گفتم من جرأت اینکه ایقنقدر بی‌محابا و بی‌احتیاط صحبت کنم ندارم و این عبارت را هم تا زمانی که تعریف عملیاتی نشده باشد واجد دقت‌های کافی کارشناسی نمی‌دانم. مثلاً تلقی دیگری از فساد سیستمی این است که می‌توانید آن را با پنج متغیر بسنجید. این پنج متغیر چه چیزهایی هستند؟ ۱- چارچوب‌های ضعیف پشتیبانی از حقوق مالکیت، ۲- سیاست‌های اقتصادی نادرست؛ یعنی سیاست‌هایی که عامه مردم و تولیدکننده‌ها را از کار ساختار قدرت در ایران است و گفتم که به هزار تنبیه و رانت‌خواه، رباخواه، دلال‌ها و فاسدان را جاق می‌کند، ۳- تخصص گریز؛ یعنی ماجرای خودی در برابر غیر خودی باشد نه صلاحیت و شایستگی برای

در سطح نظری ما با تقدم هستی‌شناختی فرد نسبت به جامعه مواجه هستیم، اما در ساحت عمل با تقدم رتبه‌ای جامعه نسبت به فرد روبه‌رو هستیم، یعنی فرض کنید اگر شما آن مینرا را بپذیرید و اگر بگویند برای اصلاح چه پیشنهادی دارید، پاسخ شما علی‌الاصول باید این باشد که برویم روی تکت‌تک افراد کار فرهنگی یا بازدارنده کنیم و این هم با توجه به ظرفیت‌های اجرایی ایران و برای تبیین یک برنامه، در بهترین حالت ۲۷۰ سال زمان لازم دارد. اینها تجربه شده و می‌توانید خاطرات فردوست را از این زاویه بخوانید تا ببینید که چگونه فساد مشروعیت

رژیم بهلوی را از بین برد.

اکنون کسانی به خاطر فهم سطحی، ناقص و کوتاه‌نگرانه از فساد‌فکر می‌کنند که کشف و شهود کرده‌اند و با اتفاقی می‌افتد، می‌گویند دانه‌درشت‌ها را مورد هدف قرار دهید. اینها مسائلی است که از منظر کارشناسی حساب و کتاب‌های روشنی دارد و به همین خاطر است که می‌گویند بر خورد انفعالی می‌شود یا فساد به هیچ‌وجه راهگشا نیست. مثلاً ۵-۶ دلیلی می‌آورند که مهم‌ترین آن این است که بر خورد انفعالی و پسینی با فساد مطلقاً اثر بازدارندگی اجتماعی نخواهد داشت. ماجرا این است که آن بستر نهادی که حتی آدم‌های سالم را هم به سمت فساد سوق می‌دهد، کانون اصلی گرفتاری است.

زمانی کل سوءاستفاده یک فرد در دوران جنگ به صد میلیارد تومان هم نرسیده بود. شما ببینید که سطح فساد آن دوران چقدر است و سطح فسادهایی که الان بر ما می‌شود چقدر؟ مقامات رسمی می‌گویند که فساد دانه‌های درشت‌تر از اینها هم وجود دارد. فکر می‌کنند با خشن‌ترین شیوه یا دانه‌درشت‌ها بر خورد می‌کنند تا تنبیه اجتماعی و بازدارندگی ایجاد کند. اما همان‌طور که این راه در تمام تجارب دیگر دنیا با شکست روبه‌رو شده این‌جا هم با شکست روبه‌رو شد و هر روز که می‌گذرد پر گستره و عمق فساد به ویژه در بین دانه‌درشت‌ها افزوده هم می‌شود، گویی هر یک که تنبیه می‌کنید، بقیه تشویق می‌شوند.

**این‌جا دو میحت مطرح می‌شود: یکی قبض‌زدایی از مساله فساد است و دیگری مساله چگونگی برخورد با فسادها!**

شما از قبض‌زدایی صحبت می‌کنید و من می‌گویم اثر بازدارندگی اجتماعی اندک‌ا‌کلی وقتی که موارد بی‌شمار فساد وجود داشته باشد، شما با هر متر و معیاری تعدادی از گزینش کنید و با آنها برخورد کنید به ازای هر بیک نفر که تنبیه می‌شود، صدها نفر در جامعه وجود دارند که فساد مرتکب شده‌اند و تنبیه نمی‌شوند و پیامی که به جامعه می‌دهد این است که چه کسی به این مسائل رسیدگی می‌کند و بنابراین به هیچ‌وجه بازدارنده نخواهد بود.

**ساختار چقدر این افراد را تشویق می‌کند؟** ساختار با همین روبه‌ی انفعالی و پسینی برخورد با فساد، عملاً ضامن می‌کند. بحث بر سر این است که در اینجا هم باید ره م‌کزی اولویت پیشگیری بر درمان باشد و نه درمان پیشگام. زمانی تحلیلی وجود داشت مبنی بر اینکه ما متأسفانه فساد و مُفت‌خواری را کنترل نمی‌کنیم، امکان ندارد انگیزه‌های تولیدی در ایران شکل بگیرد و تا آن انگیزه‌ها شکل نگیرد و تولید ایران رتقاء جامی و کیفی پیدا نکند، وریکر د مسلط‌ستیز و حذف و باری از مغلط‌های مردم را سلب کند. ی‌تعاون و ازانگاری نمی‌دهد. بر اساس همین تحلیل به محض این که حسن روحانی بر سر کار آمد من از سر شفتقت بحثی مطرح کردم که در حوزه عمومی‌ مورد توجه قرار گرفت. اما متأسفانه تا امروز هیچ واکنشی از سوی دولت ندیده‌ایم. من با همین منطق که پیشگیری بر درمان ترجیح دارد و بستر نهادی ضرب اهمیت بسیار تعیین‌کننده‌تری از افراد دارد به یک تجربه موفق‌تر دوره جنگ فساداندک مردم، متخالفان دولت جنگ و متخالفان امروزی نخست‌وزیر آن زمان از ترس اینکه نکنند مشخص‌شود ایشان چه خدماتی برای کشور انجام داده مسائل ملکیتی را هم شخص‌محور نگاه می‌کنند و به همین خاطر کشور را عاجز کرده‌اند که از تجارب قبلی درس بگیرد.

من گفته بودم سه‌ه‌ه کانون وجود دارد که هم امکان بر خورد پیش‌گیری‌ساز از فساد برای آن مهیاست و هم تجربه‌های بسیار موفق را پشت سر داشته‌است. در ایران کسانی که دنبال مناسبات رانتی هستند و از عدم شفافیت‌ها نفع می‌برند، دائماً داعیه‌ی این را دارند که نکنند اگر چیزی شفاف شد دیگران از آن سوءاستفاده کنند. بنابراین با پوستینگی و شرفیشت عفونت در بدن، نظام تصمیم‌گیری را غیر حساس می‌کنند یا با گذشتت بیش از ربع قرن هم این نظام تصمیم‌گیری متأسفانه آنگونه پشتیبانی فکری می‌شود که به هوش بیاید. همه می‌فهمند که در شرایط جنگی توجیه برای پنهان‌کاری هزار پله از شرایط عادی بیشتر است. آقای مهندس موسوی و آقای عالی‌نسب یک نوآوری نهادی انجام دادند که در تمام دوره‌های پیش‌شن کشور اقتصاد ایران بی‌نظیر بود. آن هم چیزی نبود جز اینکه آقای مهندس موسوی شخصاً نامه‌ای به مرحوم هاشمی‌رفسنجانی که رئیس مجلس بودند نوشتند و از ایشان تقاضا کردند که تصمیم‌گیری در باره دلارهای نفتی بر عهده مجلس گذاشته شود. یکی از شاه‌بته‌های موارشی که آیت‌الله شهید دکتر بهشتی برای ایرانیان گذاشتند، این است که براساس قانون اساسی هر آنچه از کاتال مجلس عبور می‌کند، شفاف می‌شود.

**کانون اصلی توزیع رانت در ایران دلارهای نفتی‌ست. وقتی اینها این تقاضا را کردند و مجلس وقت هم پذیرفت، پنج اتفاق افتاد که در زمانی که آن پنج اتفاق نیفتاد دوباره ایران روزگار خوش نخواهد دید، آن پنج اتفاق چه بود؟**

اولین پیامد آن تمهید نهادی که دولت وقت انجام داد این بود که به تعبیر اقتصاد، آنها هزینه فرصت رانت‌جویی و فساد را به شدت بالا بردند، اگر تصمیم‌گیری درباره نحوه تخصیص دلارهای نفتی به صورت غیرشفاف و پشت‌پسند در چارچوب مذاکره یک مقام زرتعی کننده رانت با فرد رانت‌جویان‌ببینید که برای آن رانت‌جو چقدر هزینه دارد و بعد این را در صحنه عملی با نیاز به حداقل کسب موافقت ۱۵۰ نماینده مجلس شود، آن خصلت‌ها معجزوار تمهید نهادی این است که حتی اگر کیفیت نمایندگان مجلس هم به شدت پایین باشد به حکم شفاف شدن این مسئله هزینه فرصت رانت‌جویی از چند کاتال را به شدت افزایش می‌دهد. وقتی برای مهم‌ترین آنها

توانستیم راه‌حل ناورانه نهادی داشته باشیم پس برای آنها هم می‌توانیم. پیامد دومش هم این بود که کل دستگاه اجرایی کشور از فسادهای معلوف به رانت نفتی مصون‌شد. این تعجب‌آور نیست که مثلاً در کل دولت‌های پس از انقلاب پاک‌دامن‌ترین دولت متعلق به دوره جنگ است، بعضی‌ها فکر می‌کنند مردم چون آن زمان احساساتی و جویگر بودند پاک‌دامن بودند، اما اگر احساسات و جوگیری پشتیبانی نهادی نشود، تداوم پیدا نمی‌کند، آن هم برای هشت سال.

پس دومین پیامد این اقدام این بود که کل سیستم اجرایی کشور را برابر فسادهای ناشی از رانت نفتی واگسینه کرد.

پیامد سوم این بود که دولت را در برابر تک تک دلارهایی که تخصیص می‌داد پاسخگو کرد، یک عده شمار دولت پاسخگو می‌دهند، اما قادر به ارائه سازوکار‌های اجرایی و عملیاتی برای آن نیستند. برای اینکه اهمیت این جنبه را خوب درک کنید باید به تجربه دولت احمدی‌نژاد در سال ۹۱ بازرگردید و فلسفه عزل خاتم دکتر وحید دستجردی را بررسی کنید اعتراض ایشان این بود که چرا دلارهایی که باید صرف‌واردات دارو می‌شد صرف‌واردات لوازم آرایش و خودروهای لوکس شده است؟

تا زمانی‌که تخصیص دلارهای نفتی از کاتال مجلس الزام قانونی ایجاد نکرده باشد منطق تخصیص دلارها، منطق صلاح‌بدهی‌های شخصی‌ست. شما حدانکر می‌توانید بگویید که من این منطق یا صلاح‌دید را نپذیرفتم و آن فرد را بر کنار کنید، اما نمی‌توانید مجازات کنید. به همین خاطر هر دیدید که هیچ‌کس در دولت احمدی‌نژاد بابت این مسئله مجازات نشد، پس ببینید که سوسوم‌کننده کار کرد این شفاف‌سازی، صرف‌واردات دارو می‌شد صرف‌واردات لوازم آرایش و خودروهای لوکس شده است؟

تا زمانی‌که تخصیص دلارهای نفتی از کاتال مجلس الزام قانونی ایجاد نکرده باشد منطق تخصیص دلارها، منطق صلاح‌بدهی‌های شخصی‌ست. شما حدانکر می‌توانید بگویید که من این منطق یا صلاح‌دید را نپذیرفتم و آن فرد را بر کنار کنید، اما نمی‌توانید مجازات کنید. به همین خاطر هر دیدید که هیچ‌کس در دولت احمدی‌نژاد بابت این مسئله مجازات نشد، پس ببینید که سوسوم‌کننده کار کرد این شفاف‌سازی، صرف‌واردات دارو می‌شد صرف‌واردات لوازم آرایش و خودروهای لوکس شده است؟

تا زمانی‌که تخصیص دلارهای نفتی از کاتال مجلس الزام قانونی ایجاد نکرده باشد منطق تخصیص دلارها، منطق صلاح‌بدهی‌های شخصی‌ست. شما حدانکر می‌توانید بگویید که من این منطق یا صلاح‌دید را نپذیرفتم و آن فرد را بر کنار کنید، اما نمی‌توانید مجازات کنید. به همین خاطر هر دیدید که هیچ‌کس در دولت احمدی‌نژاد بابت این مسئله مجازات نشد، پس ببینید که سوسوم‌کننده کار کرد این شفاف‌سازی، صرف‌واردات دارو می‌شد صرف‌واردات لوازم آرایش و خودروهای لوکس شده است؟

تا زمانی‌که تخصیص دلارهای نفتی از کاتال مجلس الزام قانونی ایجاد نکرده باشد منطق تخصیص دلارها، منطق صلاح‌بدهی‌های شخصی‌ست. شما حدانکر می‌توانید بگویید که من این منطق یا صلاح‌دید را نپذیرفتم و آن فرد را بر کنار کنید، اما نمی‌توانید مجازات کنید. به همین خاطر هر دیدید که هیچ‌کس در دولت احمدی‌نژاد بابت این مسئله مجازات نشد، پس ببینید که سوسوم‌کننده کار کرد این شفاف‌سازی، صرف‌واردات دارو می‌شد صرف‌واردات لوازم آرایش و خودروهای لوکس شده است؟

تا زمانی‌که تخصیص دلارهای نفتی از کاتال مجلس الزام قانونی ایجاد نکرده باشد منطق تخصیص دلارها، منطق صلاح‌بدهی‌های شخصی‌ست. شما حدانکر می‌توانید بگویید که من این منطق یا صلاح‌دید را نپذیرفتم و آن فرد را بر کنار کنید، اما نمی‌توانید مجازات کنید. به همین خاطر هر دیدید که هیچ‌کس در دولت احمدی‌نژاد بابت این مسئله مجازات نشد، پس ببینید که سوسوم‌کننده کار کرد این شفاف‌سازی، صرف‌واردات دارو می‌شد صرف‌واردات لوازم آرایش و خودروهای لوکس شده است؟

تا زمانی‌که تخصیص دلارهای نفتی از کاتال مجلس الزام قانونی ایجاد نکرده باشد منطق تخصیص دلارها، منطق صلاح‌بدهی‌های شخصی‌ست. شما حدانکر می‌توانید بگویید که من این منطق یا صلاح‌دید را نپذیرفتم و آن فرد را بر کنار کنید، اما نمی‌توانید مجازات کنید. به همین خاطر هر دیدید که هیچ‌کس در دولت احمدی‌نژاد بابت این مسئله مجازات نشد، پس ببینید که سوسوم‌کننده کار کرد این شفاف‌سازی، صرف‌واردات دارو می‌شد صرف‌واردات لوازم آرایش و خودروهای لوکس شده است؟

**هیچ تقاسمی با شما نگرفتند؟**
به هیچ‌وجه. من می‌خواهم عرض کنم که در دوران جمهوری اسلامی بی‌سابقه‌ترین سطح سرمایه‌گذاری در زمینه تربیت نیروی کارشناسی انجام شده و ما الان از نظر ذخیرهٔ دانایی برای برپون‌رفت از مشکل فساد آندقدر مشکل داریم که در زمینه اراده کافی و سازمان مناسب متنگل داریم. به نظر من رسانه‌ها حداقل باید به انقلابیون سابق یادآوری کنند که مشکل فساد چقدر در میزان مشروعیت‌زدایی رژیم بهلوی تأثیر داشت و به این عزیزان بگویند که اگر در این زمینه دور بینچینید نه از تاک و نه از تانکشان اثری نخواهد بود.

**در این‌جا سؤالی پیش می‌آید: آیا فساد اقتصادی و سیاسی علت و معلول همدیگر هستند و هر کدام از آنها زمینه‌ساز فساد دیگری‌ست یا ابتدا دو عنصر وجودی و موازی با هم جلو می‌روند؟**

ما در تمام دنیا و نظر به‌های پیشرفته توسعه‌یاب این وفاق جمعی را مشاهده می‌کنیم که می‌گویند یک دره تمیذگی تمام‌گیر بین اقتصاد و سیاست وجود دارد، اینها تفکیک‌پذیر از هم نیستند. عدله‌ای هم برای این مسئله آورده می‌شود و قله این عدله در استانداردهای نئوس-ریسند در کتاب «توزان دوگانه» صورت‌بندی نظری کرده‌است. در ایران، ساخت سیاسی نقطه عزیمت است، یعنی در تاریخ اقتصادی ایران همواره از طریق اشتمال مناسب در ساختار قدرت امکان دستیابی به ثروت فراهم شده است. بنابراین با وجود تأکید قاطع بر اینکه اینها از همدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند می‌خواهم بگویم که به نظر اصولی و بلندمدت‌تقدم با شفاف‌سازی در ساختار قدرت و تلاش برای هر چه قرابتی‌تر کردن مناسبات قدرت است اگر شما به تاریخ اقتصادی پس از انقلاب اسلامی هم نگاه کنید در دوره‌ای که توزیع قدرت عادلانه‌تر بوده و روبه‌های حذف و سستیز کمتر در دستور کار قرار داشته ما هم از نظر پاک‌دامنی اقتصادی وضعیت بهتری داشته‌یم و هم از نظر عملکرد اقتصادی وضعیت کاملاً قابل دفاع‌تری داشته‌ایم. متأسفانه در این دعوای‌های حیدری- نعمتی که در ساخت سیاسی ما به جریان افتاده، راه‌بر بحث‌های بنیادیر که مدام علیه است و همه‌گانه به همین‌طور به هم‌بسته‌اند

ی‌کدیگر افشاگری کنیم، منشاء‌های اندیشه‌ای این مناسباتی است که همه از آن ناراضی هستند اگر به نحو بایسته‌ای زیر ذره‌بین گذاشته شود آن فقط ملاحظه خواهد کرد که واقعاً ذخیرهٔ دانایی موجود در ایران برای اداره شرافتمندانه، کم‌هزینه و پردساتورد اقتصادی وجود دارد و ناپدیده گرفتن این ذخیرهٔ دانایی که بخش اعظم آن به خرج جمهوری اسلامی فراهم شده را می‌توان خودکشی در نظر گرفت.



عکس تبلیغاتی جامعه فردا